

گفتگوی خبر نگار صدای آلمان با رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی پیرامون

تحلیل "نهضت آزادی ایران" از سیاست دولت نهم در قبال دانشگاهها

۱۳۸۵/۷/۱۷

نهضت آزادی ایران دیروز تحلیل خود را پیرامون شرایط حاکم بر دانشگاهها و جامعه علمی ایران منتشر کرد. این حزب در تحلیل خود، ضمن ابراز تاسف از «شرایط حاکم بر جامعه علمی و دانشگاهی»، به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هشدار داده است که تجربه دهه ۶۰ و انقلاب فرهنگی را دوباره نیاماید.

نهضت آزادی ایران در تحلیل خود از فضای حاکم بر دانشگاهها، چند مورد اصلی را که نشانگر محدود کردن هر چه بیشتر فعالیت‌های علمی و دانشجویی ست برمی‌شمرد. «محدودسازی فعالیت‌های دانشجویی»، «تضییع حقوق مدنی و شهروندی فعالان سیاسی دانشگاهی» و «اخراج اصلاح‌طلبان و دگراندیشان»، «طرح انتصاب روسای غیرمستقل در دانشکده‌ها و دانشگاهها»، تغییر ماهیت دانشگاهها به «مراکز تایید و آموزش ایدئولوژی حکومتی» و نیز «محدود کردن دسترسی دانشجویان، روشنفکران و دانشگاهیان به مراجع علمی معتبر و محدود ساختن نشر کتب و مطبوعات»، از جمله مواردی هستند که نهضت آزادی ایران در تحلیل خود به آنها اشاره می‌کند.

از نظر نهضت آزادی ایران، فشار بر جامعه دانشگاهی «در قالب پروژه‌های ضدفرهنگی در دولت نهم به شدت پیگیری شده» است. از تحلیل نهضت آزادی ایران چنین برمی‌آید که نوع برخورد با دانشجویان و سیاست فرهنگی‌پی که دولت آن را پیش می‌برد، برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته است. چه موارد مشخصی نهضت آزادی ایران را به این نتیجه رسانده است؟ پاسخ محمد توسلی عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران:

«برنامه دولت نهم چند محور مشخص دارد. محور اول محدود کردن فعالیت‌های دانشجویی ست. این محدود کردن هم بخشی بازداشت‌هایی ست که دانشجویها شده‌اند و هم جلوگیری از فعالیت انجمن‌های اسلامی و تشکل‌هایی که حتا فرهنگی هستند، در داخل دانشگاهها هست و حتا جلوگیری از برگزاری انتخابات نهادهای دانشجویی. این فشاری ست که بر جنبش دانشجویی و فعالیت‌های مستقل دانشجویی در فضای دانشگاه انجام می‌شود. محور دوم فشاری ست که بر حضور فعالان سیاسی در دانشگاهها آورده شده است، هم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا فیلترهایی گذاشته‌اند تا افرادی که سابقه سیاسی دارند وارد دانشگاه نشوند و هم به نوعی بازنشسته‌کردن اساتیدی که سابقه فعالیت سیاسی و آزاداندیشی دارند و بهر حال به لحاظ اندیشه و نگرش سیاسی هماهنگ با دولت نهم نیستند. محور سوم انتصاب روسای غیرمستقل در دانشگاهها هست و با انتصاب این روسایی که خارج از هیاتهای علمی و خارج از آن سازوکار دمکراتیک در داخل دانشگاهها هست، عملاً استقلال مدیریت دانشگاه نقض شده است و با این فرایند فشار روی دانشجویها، ورودی دانشگاهها و نقض استقلال مدیریت دانشگاهها، این یک روند جدیدی ست که ما در دولت نهم می‌بینیم و این روند پیامدهای بسیار سوئی می‌تواند در جامعه علمی و فعالیت‌های دانشگاهی کشور داشته باشد».

نهضت آزادی ایران عنوان کرده است که «نیروهای دولتی قصد تکرار تجارب دهه ۶۰ یا تجربه انقلاب فرهنگی در کشورهایی مانند چین را دارند». محمد توسلی شباهت سیاست‌های دولت نهم با جامعه دانشگاهی با «انقلاب فرهنگی چین» را چنین بیان می‌کند:

«مجموع اقداماتی که در این یک‌ساله انجام شده این روند را نشان می‌دهد که دولت نهم دارد دانشگاهها را بطرف یک تکصدایی هدایت می‌کند و دنبال این هستند که ایدئولوژی خاصی را در فضای دانشگاه اعمال کنند، هم مدیریت دانشگاه، هم هیاتهای علمی و هم دانشجویها باید به لحاظ فکر و اندیشه همان اندیشه‌ای را که در حاکمیت دولت نهم هست تقویت

بکند. این در واقع به نوعی تداعی همان برنامه‌ای است که در دهه شصت تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» عمل شد. خوب، ما اشاره کردیم به انقلاب فرهنگی که در چین هم انجام شده و آنها هم دنبال چنین برنامه‌ای بودند، اما به نظر می‌رسد که این برنامه هم در چین با شکست مواجه شد و هم در دهه شصت که عمل شد جز فاجعه و زیان و خسران برای دانشگاه‌های ما پیامدی نداشته است. برای همین ما به مسئولان دولت این توصیه مشفقانه را کرده‌ایم که بهر حال آزموده را آزمودن خطاست و بهتر است سیاستی را دنبال نکنند که در راستای منافع ملی باشد و بتوانند با حفظ استقلال دانشگاهها فضایی ایجاد بکنند که هم برای هیاتهای علمی و هم برای دانشجویان زمینه‌های رشد و توسعه را فراهم بکند».

نهضت آزادی ایران در نهایت «راه برون‌رفت از مشکلات کنونی» را تنها «تحرک بیشتر و صبر و مقاومت جنبش دانشجویی» می‌داند. اما با توجه به اینکه چنین «مقاومت»ی می‌تواند برای دانشجویان هزینه‌هایی را با خود به‌همراه داشته باشد، نهضت آزادی چه راهکاری را پیشنهاد می‌کند؟ «تحرک» و «مقاومت» دانشجویان باید چه شکلی داشته باشد؟ محمد توسلی توضیح می‌دهد:

«پیشنهاد نهضت آزادی ایران دو محور دارد. یکی اینکه مجموعه هیاتهای علمی و دانشجویان روی محور دفاع از آکادمی آزاد تاکید کرده و این را بعنوان یک مطالبه‌ی عمومی دانشگاهی مطرح بکنند. ما معتقدیم که استقلال نهاد علمی از قدرت می‌تواند در راستای منافع ملی باشد. بنابراین این استقلال نهاد علم از دولت می‌تواند بعنوان یک شعار محوری در تمام سطوح مطرح باشد. در چارچوب یک چنین شعار محوری، خوب دانشجویان نباید تسلیم بشوند و باید کوشش کنند صبر و مقاومت داشته باشند و کوشش کنند که حول همین محور تمام فعالیت‌های دانشجویی خودشان را متمرکز بکنند و از پراکندگی شعار و فعالیت جلوگیری کنند تا بتوانند فضای دانشگاهها را برای کسب علم و دانش و فعالیت سالم دانشجویان آماده بکنند».

در پایان این تحلیل می‌خوانیم: «نهضت آزادی ایران (...) حاکمیت را از پیمودن راهی که آغاز کرده و نتیجه‌ای جز از دست رفتن سرمایه‌های عظیم انسانی و علمی و فرار آنها به خارج از مرزهای کشورمان در پی نخواهد داشت، برحذر می‌دارد».

بهنام باوندپور